

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی- ایران
۱۵ جنوری ۲۰۱۸

پروسه سرنگونی رژیم آغاز شده است!

جنبش اعتراضی سراسری مردم ایران در این مدت کوتاه نشان داد که استبداد و دیکتاتوری جمهوری اسلامی سرمایه داری در ایران نیز به انتهای خود رسیده است.

رژیم استبدادی در ایران، با سرکوب، کشتار، زندان، شکنجه و اعدام به سرکار آمد، و به همین روال تا کنون به حیات خود ادامه داده است. کلیت این رژیم متحداً برای حفظ حکومت و منافع خود از هیچ وحشیگری دریغ نکرده و نخواهد کرد.

رژیم جمهوری اسلامی ایران از همان بدو به قدرت رسیدن، با تحمیل فقر و بیکاری، افزایش اعتیاد و فحشاء در جامعه به حیات خود ادامه داد. کماکان اکثریت جامعه در بی حقوقی کامل زندگانی دارند. نبود حق تشکل و اعتصاب، نبود آزادی بیان، قلم و تجمع بر کسی پوشیده نیست. سرکوب و دستگیری مخالفان، اقلیتهای ملی و مذهبی، کارگران، زنان، دانشجویان، جوانان و نیروهای مترقی، حمله به اعتصابات کارگری، شلاق زدن کارگران اعتصابی، ندادن حقوقهای عقب افتاده، دزدی و اختلاس و... از روش حکومتی این رژیم ضد انسانی بوده است.

در این ۴ دهه اعتراضات و اعتصابات بی شماری صورت گرفته است و کارگران و زحمتکشان برای حق و حقوق خود به اشکال مختلف به این رژیم اعتراض کرده و برای رسیدن به خواسته ها و مطالبات خود پا فشاری کرده اند. کارگران، معلمان، دانشجویان، پرستاران و دیگر اقشار مترقی جامعه بی وقفه در حال کشمکش بوده اند و رژیم اسلامی سرمایه جویی جز سرکوب، زندان و ... نداده است. هم اکنون علاوه بر کسانی که در این چند روز دستگیر شده اند، هزاران کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی در زندانهای این رژیم هستند.

فجایع این ۴ دهه راه حل دیگری جز یک تغییر پایه ئی و اساسی در مقابل مردم در ایران نگذاشته است و برای تغییر سیستم و نظامی که بانی این فجایع و جنایتهاست، مردم کارد به استخوانشان رسیده و دست به اعتراض و طرح مطالبات خود زده اند.

مهم این است که در این دور، مردم خود آگاهانه به میدان آمده و کلیت این نظام را به زیر سوال برده اند، گرچه رژیم و نوکرانش سعی دارند این قیام مردمی را به وابستگی به این دولت و آن دولت، این فرد و آن دسته نسبت دهند، اما خیال باطل، اعتراضات و تظاهراتهای تهاجمی مردمی و مطالبات و شعارها، آنقدر واضح و گویا هستند که هیچ دسته و گروهی نمی تواند در این میان مفت خوری بکند.

رسانه های وابسته با ترتیب دادن مصاحبه و دعوت از بازمانده های سلطنتی و سر بیرون آوردن مجاهدین از سوراخ، سعی به چهره سازی و یا آلترناتیو سازی می کنند، اما این گرایشات سیاسی نه تنها امتحان خود را قبلاً پس داده اند، بلکه مردم به وضوح با عمل خود به این کهنه نظرات، نه گفته اند. این رسانه ها و نیروهای ارتجاعی سعی دارند با گفتن این که خواست این اعتراضات صرفاً اقتصادی است و نه چیز دیگر، اعتراضات و مبارزه مردم را بی ارزش جلوه دهند و مستقیم و غیر مستقیم نظام و سیستم را از گزند عمیق اعتراضات نجات دهند. واقعیت این است که نگاهی به شعارها و فریاد مردم می توان دید که نظام و کلیت سیستم استثماری را زیر سؤال برده اند و دیگر این که اقتصاد در سیستم حاکم در سطح جهانی، پایه تمامی مسائل و حیات انسانی است، بدون اقتصاد، سیاست و اجتماع معنی ندارد، تمامی جنگها بر سر اقتصاد است، تمامی مبارزات اقتصادی و اجتماعی به یک معنی سیاسی است، نمی توان اینها را از هم جدا کرد. بدست مردم اعتراضاتشان را با طرح خواسته های اقتصادی، علیه فقر، بیکاری، بی مسکنی، گرانی پیش می برند و متوجه هستند که برای مقابله با این مشقات باید جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و سیستم سرمایه داری را نابود کنند. در کنار این انحرافات جمعی تازه مدرن شده کهنه اندیش صحبت از خشونت و مبارزه متمدن کردن و صلح آمیز را توصیه می کنند. این مرتجعین، مبارزه و اعتراضات مردم را که در اصل علیه خشونت آغاز شده و به شکل سراسری علیه خشونتهای سرمایه داران که فقر، بیکاری و بی خانمانی، اعتیاد و فحشا را برای اکثریت به ارمغان آورده اند، نمی بینند. هزاران هزار زندانی، اعدام کردن هزاران انسان و ... را خشونت نمی دانند که رژیم اسلامی شان در این سالها با وقاحت برای در قدرت ماندن به کار برده است. مردم به پا خاسته در ایران باید محکمتر و مسلح تر در مقابل خشونت دولت سرمایه داری ایران و نوکرانشان ایستادگی کنند و تا از میان بردن آنها و تغییر کل نظام از پا ننشینند. زمان آن رسیده است که صاحبان اصلی جامعه خود هدایت و حکومت را به دست بگیرند.

شرایط اسفناک اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه ایران، راه حل دیگری برای مردم نگذاشته است جز این که، با اتکاء به نیروی خود به میدان آمده و آینده دیگری را با دست خود بسازند، اعتراضاتی که ۷ دی [جدی] ۱۳۹۶ شروع و به فوریت سراسری شده و مردم با شعارهای خود کل سیستم و نظام حاکم را به زیر سؤال برده و خواهان سرنگونی آن هستند، قرار است جامعه دیگری از این خفتی که جمهوری اسلامی و قبل از آن رژیم سلطنتی به مردم تحمیل کرده بودند، بسازند.

شاید بد نباشد گذرا به رژیم سرنگون شده سلطنتی و شاهنشاهی و انقلابی که بدست علیه دیکتاتوری شاه در سال ۵۷ به راه افتاد، نگاهی بیندازیم.

انقلاب بحق علیه حکومت سرمایه داری سلطنتی توسط مردم ایران به راه افتاد، نظام شاهنشاهی نظامی گنبدیده ای بود که منافع اکثریت مردم را به تاراج گذاشته و با زور اسلحه، ارتش و گارد و ساواک و نیروهای نظامی دیگر منافع سرمایه داران و صاحبان سرمایه را حفاظت می کرد و در توافقاتشان با بخشی از روحانیت و دادن امکاناتی به آنها حکومت خود را حفظ نموده بود.

در نظام سرمایه داری شاه، زندان و شکنجه، سرکوب اعتراضات کارگری، زنان، دانشجویان، ملیتهای تحت ستم، نبود حق تشکل و اعتصاب و ... تفاوتی درپایه با نظام گنبدیده جمهوری اسلامی سرمایه در این چهاردهه نداشت.

رژیم سلطنتی آنچنان خفقانی را حاکم کرده بود که در طول بیش از ۳۰ سال جوانان و شهروندان بیشماری در سیاه چالهای این رژیم زندانی، شکنجه و اعدام شدند، رژیم شاه هیچ حق تشکل و سازمانیابی را تحمل نمی کرد و درنده وار سرکوب می نمود. اقلیتهای قومی و دیگر نیروهای اجتماعی زیر شدیدترین فشارها و بی حقوقی به سر می بردند.

در رژیم شاه هم مبارزه علیه این نظام گندیده به اشکال مختلف در جریان بود و سالها سازمانها، گروهها و محافل مختلف، کارگران، زنان، جوانان و دانشجویان، نیروهای چپ به شکل زیرزمینی مشغول فعالیت بودند و زندگی را به رژیم سلطنتی سیاه کرده بودند و آب خوش از گلویشان پایان نمی رفت. تا این که سرانجام اعتراضات محلی، خیابانی و اعتصابات کارگری وسیعتر و وسیعتر شد و کل کشور را در بر گرفت و با حضور فعال کارگران و به ویژه کارگران نفت کار رژیم تا دندان مسلح شاه را یکسره کرد. این انقلاب با خواست آزادی و رفاه، با خواست کار و نان، با خواست یک زندگی انسانی و برابر برپا شد. این انقلاب موفق شد یکی از دیکتاتورهای سرمایه داری را سرنگون کند، اما نتوانست به کار خود ادامه دهد و نیروهای مذهبی و ارتجاعی با کمک دولتها و امپریالیستها برای سد کردن انقلاب و سرکوب انقلاب به نام انقلاب اسلامی و یا درستتر بگوئیم کودتای سرمایه داران اسلامی به رهبری خمینی ربوده و شکست خورد. سرکوب و خفقان، جنگ و زندان و اعدام، دستگیری و شکنجه به دست ارتجاع اسلامی سرمایه از همان فردای شکست انقلاب به اجراء گذاشته شد. جمهوری اسلامی موفق شد، انقلاب را سد کرده و به شکست بکشاند! با توجه به شرایط و شکست انقلاب ۵۷ و ادامه همان فلاکت سلطنتی در زمینه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که توسط جمهوری اسلامی ادامه پیدا کرد البته با استفاده از مذهب پررنگتری از رژیم شاه، حضور اعتراضی و مبارزاتی مردم را شاهد هستیم که به شکل سراسری در جریان است. در همین مدت کوتاه پیوستن شهرها و مناطق بیشتری به اعتراضات سراسری را شاهدیم. این شروع یک قیام دیگری است که می تواند جامعه انسانی با آزادی و رفاهی عمومی را پی ریزی کند. نظام سرمایه داری در ایران را این بار از ریشه ساقط کند. کارگران و زحمتکشان و تمامی نیروهای اجتماعی باید به نیروی خود اتکاء کنند نه به این رهبر، شاه، شیخ، ملا و آن سردار. جامعه انسانی با توجه به تجربیات تاریخی بهتر می تواند با حضور تمامی شهروندان در شوراها محلات مسکونی و محله های کار هدایت و سازماندهی شود.

این اعتراضات شروع شده تا همینجا نشان داد که رژیمی که انواع اقسام نیروی نظامی، مسلح و ایدئولوژیک دارد، نمی تواند تا ابد مردم را در حبس، ترس و وحشت نگهدارد. مردم شجاعانه تا همین جا نشان دادند که اگر بخواهند، می توانند یکی از درنده خو ترین و دژخیم ترین رژیم ها در دنیا را به لرزه بیندازند و انداختند. طبیعتاً با سازماندهی بیشتر، متشکلت تر شدن بیشتر و متحد تر شدن با حضور فعال کارگران و زحمتکشان زن و مرد در این مبارزه، مردم می توانند این نظام گندیده را نیز به زباله دان تاریخ بریزند و خود قانونگذار و مجری قوانین انسانی و مورد نیاز جامعه برای تمامی شهروندان شوند.

اعتراضات سراسری کنونی حتی اگر به علت حملات و سرکوب، یک قدم به عقب رود، باردیگرا شعله عظیمتری به میدان خواهد آمد. پروسه سرنگونی رژیم آغاز شده است.

بهزاد بارخدائی - ۱۷ دی [جدی] ۱۳۹۶

به نقل از

خیابان نشریه

شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶